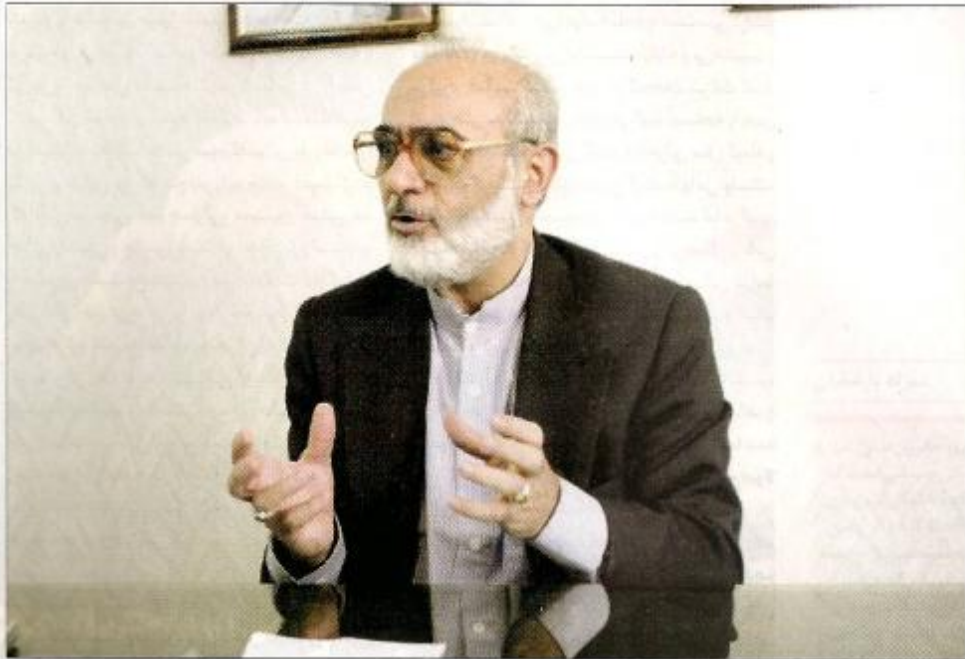


پرسید آیا شما با مارکسیست‌ها برای براندازی رژیم شاه همکاری می‌کنید، امام گفت نه ما همکاری نمی‌کنیم. این جمله نشان می‌داد که افق ایشان روشن بود و دورترها را می‌دید. می‌دانست که چه چیزی می‌خواهد. یا وقتی در پاریس آقای ماک والاس یا ایشان مصاحبه کرده پرسید: شما پس از انقلاب، رئیس‌جمهور ایران می‌شوید؟ ایشان گفت: نه، من رئیس‌جمهور نمی‌شوم. مصاحبه‌گرها مانند بودند که در ذهن امام چه می‌گذرد. پرسیدند آیا شما در حکومت نفوذی خواهید داشت، امام نگاهی به ماک والاس کرد و گفت تو می‌توانی اینجوری فرض کنی. این جواب هوشمندانه‌ای بود. سوالی بسیار سیاسی و زیرکانه بود و پاسخ امام پیچیده و زیرکانه‌تر.

● امام مبارزات را شخصا بر مبنای اسلام و در واقع از زاویه اینکه شاه، دین مردم را از بین می‌برد، آغاز کرد. این مبارزه در طول زمان، جنبه‌های دیگری نیز یافت. نکته حائز اهمیت این بود که امام نه آموزش سیاسی دیده بود، نه جنگ‌های چریکی و پارتیزانی را دنبال می‌کرد و نه دست به اسلحه برد. اما چگونه بود که از همان ابتدا به فکر تشکیل حکومت و راه‌اندازی نهادهای مردمی بود؟

خب، آموزه‌های امام، دینی بود. تاریخ اسلام، تاسی امام از اسلام بود. اگرچه شیعه در طول تاریخ نتوانسته بود حکومت در خوری تشکیل دهد ولی امام، به دنبال یک حکومت و دولت دینی بود. در حالی که در غرب و تا پیش از انقلاب، دین و دولت از یکدیگر جدا بودند. مرسوم نبود چندین سده بود که در اروپا و غرب بر جدایی کلیسا و دین از حکومت تبلیغ شده بود. اما سخنان امام، حاکی از عمق نگاه و استراتژی ایشان بود. سخنان امام در جهان بازتاب بسیاری داشت. به همین خاطر وقتی گفت دین و دولت با هم یکی است و به صخر اسلام نیز اشاره کرده همه در غرب نگران شدند اما امام ثابت قدم بودند. ایشان می‌خواست در جهان چنین تحولی صورت بگیرد. امام گفت: «خون بر شمشیر پیروز است». یعنی چی؟ یعنی اینکه اسلام پیروز است. امام می‌گفت همین شعار مرگ بر آمریکا، برای آمریکا مرگ می‌آورد. مامی گفتیم، یعنی چی؟ اصلا انقلاب را مدتی می‌گفتند «انقلاب نول کاست». یعنی امام نبود، اما سخت‌نشین ضبط می‌شد و دست به دست می‌چرخید و می‌گردید و همه گوش می‌کردند. یعنی مردم همپای امام بودند و امام نیز با آنها حرکت می‌کرد. به همین دلیل نیز امام ساختارها و نهادهای موجود را نابود نکرد، بلکه مولفه‌های قدرت در رژیم شاهنشاهی را در اختیار خود گرفت. جلسای در رژیم سابق بر گزار شد شاه فرماندهان ارتش و نمایندگان سازمان سیا حضور داشتند. شاه گفت ما ارتش را در مقابل مردم قرار می‌دهیم این نوار را ما پیدا کردیم و در شبکه CBS منتشر کردیم. البته با مکلفات. اسم برنامه افشاگری شماره یک نام گرفت. نشان می‌داد تلویزیون شاه، رو در روی مردم و ارتش است. اما امام چه گفت؟ گفت: «ارتش برادر ملت است». امام با همین جمله ارتش را که شاه در خیابان‌ها مستقر کرده بود، آرام به دست گرفت. ارتش و مردم یکی شدند. ۱۹ پنجم اصل ارتش به امام لیبیک گفت و آن عکس معروف منتشر شد که برخی می‌گفتند این مونتاژ است. لذا، ساختارهای موجود حفظ شد و در کنار آن ساختارهای انقلابی نیز شکل گرفت. در کنار این مسائل باید به ذی‌هلیگی و سادگی زندگی امام نیز اشاره کنیم که همین رفتار، باعث شد مشتاقان امام بیشتر شود.

● چطور مگر؟



نگاه امام نهادی بود

گفت‌وگو با محمدجواد ابروانی

آرای عموم، انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد تا این نهاد نیز شکل بگیرد و با رای اعتماد مجلس، کابینه وزیران کاز خود را آغاز کنند. سایر قوانین این چنین تشکیل شدند.

● یعنی امام توجه ویژه به این موضوع داشتند؟
بله امام توجه ویژه‌ای به نهادهای قانونی داشتند. نهادهایی که منبعث از رای مردم بود. ایشان یک جامعه‌ای را که از چندین هزار سال از حاکمیت طبقه ستم‌دین و پادشاهان ستمگر رنج می‌برد، را تغییر داد. خب این یک انقلاب عظیم در جهان بود. بعد از این انقلاب، بسیاری از کشورها، به مردم روی آوردند و میسای مبارزات خود را بر مردم متمرکز کردند. من معتقدم حتی وقتی خیرهای مغرضانه‌ای علیه ایران نشان دادند و تلاش کردند از این طریق انقلاب ایران و کشور جمهوری اسلامی را تضعیف کنند، باز ما پیروز شدیم. چون نمایش مبارزه مردم ایران و تصاویری که از در صحنه بودن مردم ایران پخش می‌شد، باعث بیداری در کشورهای اسلامی شد. چون مردم متوجه شدند دارای حقوقی هستند که نمی‌توان نادیده گرفت یا آن حقوق را انکار کرد.

● نکته‌ای که می‌خواستیم به رسم این است که آیا از قبل از پیروزی انقلاب و در زمان مبارزات، امام چنین افقی داشتند که بعد بلافاصله اقدام به نهادسازی کنند؟ یا حتی مبارزات ایشان، الگویی برای مبارزات کشورهای دیگر شود؟

حضرت امام در خرداد ۴۲ یا زمالی که تئوری ولایت فقیه را می‌نوشتند، می‌دانستند که در چه مسیری قرار دارند. آگاهانه قدم بر می‌داشتند. وقتی ایشان گفتند سربازان من در شکم مادرهایشان هستند، نشان داد که به افقی ۲۰ یا ۳۰ ساله نگاه می‌کنند. خاطرلم هست در نجف که بودند، لوموند با ایشان یک مصاحبه‌ای کرد. خبرنگار

● یکی از مسائلی که در خصوص ویژگی‌های امام ذکر می‌کنند، بحث نهادگرایی ایشان است. نهادگرایی، مفهومی است که معمولا یک طرف آن مردم قرار دارند. در حالی که مبارزه امام، یک مبارزه سیاسی بود، پایه‌های مبارزاتی خود را در میان مردم مستحکم کرد. در این باره مقدمتا شما بفرمایید روش مبارزه امام چه بود؟

امام روش مبارزه خود را بر محور انقلاب و تحول در جامعه پی‌ریزی کرده تحول در روش‌ها و سنت‌های جامعه اسلام از طریق نبردهای پارتیزانی مبارزه خود را به پیش نبرد، بلکه با تکیه بر مردم و ارزش‌های حاکم بر جامعه که ارزش‌های اسلامی بود، دست به تحول خواهی زد. به همین خاطر وقتی به حرکت امام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در تئوری نهادی، دو مساله خیلی مهم است. اول ارزش‌های حاکم بر جامعه و ارزش‌های محیطی، دوم مردم‌گرایی. این دو جزو ارزش‌های مهم نهادی است.

● یعنی این تئوری حرکت امام بود؟

نه، تئوری امام، ولایت فقیه بود. اما روش مبارزه ایشان با تکیه بر ارزش‌های جامعه و مردم صورت گرفت. این روش خود امام بود. مهمترین دستاورد امام، نهادسازی بود. یعنی یا پیروزی انقلاب، امام اقدام به نهادسازی کرد. اول شورای انقلاب را تشکیل داد. نهادی که عمر کوناهای داشت. در کشورهای دیگر نهاد شورای انقلاب تا سال‌ها ماندگار می‌شود، اما امام بلافاصله دستور تاسیس نهاد دیگری را دادند که مجلس خبرگان قانون اساسی بود. بعد از اینکه مجلس توسط مردم تشکیل شد، نتیجه آن راه‌همه‌پرسی گذاشتند و مطابق قانون، نهاد مجلس شورای اسلامی و سپس نهاد شورای نگهبان تاسیس شد تا قانون اساسی و قوانین شرعی از این طریق محافظت شوند. سپس مطابق

اکبر منتجبی

محمدجواد ابروانی در دوران نخست‌وزیری مهندس میر حسین موسوی، وزیر اقتصاد و دارایی بود. او در دهه اول انقلاب، در یکی از کلیدی‌ترین وزارتخانه‌های ایران نشست. وضعیت جنگ، هزینه‌های آن، مشکلات مردم و همه باعث شده بود که او مرد شماره یک کابینه باشد. ابروانی به لحاظ جایگاه و موقعیت آن زمان خود، با امام نیز متناوب دیدار داشت. او به یکی از ویژگی‌های شاخص امام اشاره می‌کند و «نهادگرایی» را موضوعی می‌داند که کمتر کسی به آن پرداخته است. به گفته او امام بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، اقدام به تشکیل اولین نهاد در جمهوری اسلامی کرد. نهاد «شورای انقلاب». بعد از آن نیز به فاصله کوتاهی، مجلس خبرگان را تاسیس، تا قانون اساسی نوشته شود. نهاد‌های دیگر یک به یک آغاز به کار کردند و به گفته ابروانی امام نقش قابل توجهی در تاسیس آنها داشت. روایت ابروانی را از آن روزها در این گفت‌وگومی خوانیم.

اتلاف وقت و هزینه، نتیجه‌ای دربر ندارد. شما این نظر را قبول دارید؟

به هیچ وجه این دیدگاه را قبول ندارم. یک ضرورت به همراه یک کارکرد و یک ساختار، لوازم یک نهاد هستند. یعنی نهاد وقتی شکل می‌گیرد، اولاً باید ضرورت آن احساس شود بعد کارکردی داشته و در عین حال در یک ساختار قابل دفاع، آن کار صورت پذیرد. شما وقتی به یک سازمان نگاه می‌کنید، مهمترین رکن آن، ساختارش است. اما وقتی می‌گویید نهاد، کارکرد آن مطرح می‌شود. جهاد کارکرد جهادی دارد. بسیج کارکرد بسیجی دارد. نوع رابطه‌اش با مردم، اهدافش، کارکردش، همه باعث می‌شود که جلب‌نظر کند. اینها در مکتب مدیریت یک دستاورد است. نهادها اعتماد مردم را جلب می‌کنند. به همین خاطر آنها زمان ندارند. به تناسب کارکردشان بقا دارند. حتی این خاصیت را دارند که انگوی سازمان‌ها باشند. پس فرقی ندارد. یک نهاد می‌تواند در ارتش باشد، می‌تواند در بخش تعاون باشد. هر جایی می‌تواند باشد. چون نهادها تمرین با مردم کار کردن است. نهادها حتی خاصیت تکثیر نیز دارند. بسته به کارکرد آنهاست. ملت‌ها هیچ راهی برای پیشرفت ندارند. جز اینکه به نهادسازی تمسک کنند.

● آیا تغییر یک رئیس جمهور یا رئیس دولت، می‌تواند در کارکرد یا انحلال یک نهاد تاثیر بگذارد؟

اصلاً نهادها با مردم عجین شدند. نگرش نهادی یعنی اینکه به بخش‌های پنهان کوه بیخ در آب نگاه کنیم. این نگرش فراطاهر است. عمق نهادهاست که کارکرد و تثبیت و پایداری آنها را نشان می‌دهند. اصولاً دولت‌ها نیز به نهادها دارند تا بگویند که ما کارکرد خوبی داریم. چون می‌خواهند امار بدهند. یا وقتی شعار می‌دهند باید از طریق همین نهادها آنها را پیگیری کنند. پس هر رئیس جمهوری بیاید، نه تنها نمی‌تواند آنها را از بین ببرد، بلکه به دنبال آن هستند تا از این طریق شعارهای خود را محقق کنند. ■

است. یک حرکت انقلابی در دنیا سرکوب می‌شود. جریان سلطه آن را اصلاً بایکوت می‌کند اما نتوانستند مقابل سپاه پاسداران رفتاری از خود نشان دهند. در ایران سپاه که تشکیل شد، ارتش نیز تقویت شد. الان سپاه و ارتش هر دو، نهادهایی هستند که در خدمت مردم هستند و در عین حال برای کسب مدرج علمی و تکنولوژی با هم رقابت می‌کنند. رقابتی مثبت و سازنده برای کسان کشور. در همین زمینه می‌بینیم که امام بنیاد شهید را نیز راهاندازی کرد. خوب خیلی‌ها در جریان انقلاب و جنگ شهید شدند. کدام دستگاه یا وزارتخانه‌ای می‌توانست به فوریت به نیاز خانواده شهید رسیدگی کند؟ بنیاد شهید، یک پدیده‌ای بود که این امر را دنبال کرد و الان نیز کار خود را دنبال می‌کند.

● فرق یک نهاد با یک سازمان چیست؟ مثلاً خیلی از خدمت این نهادها را وزارتخانه‌ها می‌توانند بدهند. مثلاً خدمات کشاورزی و وزارت کشاورزی، خدمات به خانواده شهیدار و وزارت ارشاد و سازمان تأمین اجتماعی و حتی بهزیستی. خوب چرا این نهادها شکل گرفت. تفاوت آنها با وزارتخانه‌ها چیست؟

فرق یک نهاد با سازمان‌های دیگر در این است که نهاد پایدار است اما سازمان انحلال‌پذیر است. سازمان ملل یک نهاد ممکن است روزی منحل شود. کما اینکه اصلاً بحث اصلاح ساختار سازمان ملل مطرح است. پایداری نهادها نشان می‌دهد که آنها کارکرد مثبتی دارند چون اگر کارکرد آنها مثبت نباشد، نمی‌تواند بقا داشته باشد. مثلاً شما به بنیاد مسکن نگاه کنید، نهادی که توانسته در روستاها بسیار موفق باشد.

● برخی می‌گویند که نهادها برای تثبیت نظام تأسیس شدند و دیگر کارایی لازم را ندارند. مثلاً می‌گویند وقتی وزارت کشاورزی قدرتمند شد، چه نیازی به جهاد داریم. یا وقتی بهزیستی توانمند شد، چرا باید کمیته امداد داشته باشیم. اینها جز سوازی کاری و

ببینید یک قطعه زمینی بود مربوط به مرحوم پدرشان. تا آنجایی که پادم هست. من آن زمان وزیر اقتصاد و امور درایی بودم. این زمین حالا با مربوط به پدر امام بود یا اینکه کسی در گذشته آن را به امام داده بود.

● کجا بود این زمین؟ خمین؟

نه کاشان بود. یکی از بچه‌های مالیات، برای حضرت امام نامه نوشته بود که حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی به کمیسیون مراجعه کنید و بیاید ببینیم که موضوع چیست.

● واکنش امام چه بود؟ رفتند؟

اسام به هیچ کس هیچ چیز نگفت. ایشان مرحوم آیت‌الله یثربی، نماینده امام در کاشان را فرستادند تا موضوع را پیگیری کند و در جلسه کمیسیون اداره مالیات شرکت کند. اما به من هیچ چیز نگفتند. حتی مرحوم حاج احمدآقا نیز یک کلمه در این باره به من حرفی نزدند. من بعد فهمیدم. پرسیدم چرا نگفتید گفتند که چیزی نبوده. یک کار اداری بود. پرسشی بود که باید پاسخ داده می‌شد. امام چنین نسانی بود. حتی حسینیه امام، گنج‌وخاک بود. امام راضی نمی‌شدند که آن را درست کنند. در صورتی که اگر آن حسینیه گنج می‌شد یا نقلی می‌شد، کسی چیزی نمی‌گفت. اما امام نمی‌خواست از سرمایه کشور برای خود خرج کند.

● آیا آن چیزی که دغدغه امام بود، در این سالی که به باز نشست یا خیر. اگر فراز و فرود داشت، بفرمایید کجا بود و چرا فرود داشتیم؟

بعد از اینکه انقلاب پیروز شده امام با یکسری ساختار و تشکیلات رویرو بود. هر کدام کارکردی خاص داشتند. امام اهداف و دغدغه‌های مهمی داشتند که می‌خواستند در فرصت محدودی به نتیجه برسند. مثلاً در خصوص محرومیت‌زدایی، خودکفایی در اقلام حیاتی کشاورزان، رونق روستاها و کاهش فاصله زندگی بین شهر و روستا. خوب این نیاز به یک نهاد جدید داشت. زیرا تا قبل از آن کسی به این موضوع فکر نکرده بود. لازم بود که نهادی مستقل و نوپا شکل بگیرد. خوب امام، جهاد سازندگی را تأسیس کردند. نیروهای نخبه و دانش‌جویمان را برای محرومیت‌زدایی به اقصی نقاط جامعه فرستادند. نیروهای آن از بطن مردم بود. شیوه شکل‌گیری برخاسته از پتانسیل مردم برای رسیدن به یک هدف مهم بود: «محرومیت‌زدایی». این کار عظیمی بود چون روستاهای ایرانی نابود شده بود. مهاجرت و شهرنشینی به یک معضل تبدیل شده بود. شاه با قیمت‌های نازل، اجناس را وارد می‌کرد و کشاورزی را نابود کرده بود. جهاد توسعه روستایی را دنبال کرد و به موفقیت‌های خوبی در کوتاهمدت رسید. از این طریق عظیم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران در عرصه روستایی شکل گرفت. این چیزی است که مستند شده است. آن زمان فقط ۲۴ درصد از جمعیت روستایی ما آب آشامیدنی داشتند ولی الان بیش از ۹۰ درصد آب آشامیدنی دارند. ۶ هزار کیلومتر راه روستایی داشتیم الان ۶۰ هزار کیلومتر راه روستایی داریم. پوشش برق به ۹۶ درصد جمعیت روستایی ما رسید. این یعنی توسعه در روستا. آب و برق و تلفن و مدرسه که به روستا رسید، راه برای تولید و خودکفایی باز شد.

● در ابعاد دیگر چطور؟

شما در خصوص برقراری امنیت اگر دقت کنید، می‌بینید که امام کمیته انقلاب اسلامی را تأسیس کرد. کمیته‌ها که راه افتاد، انواع توطئه‌ها و بی‌نظمی‌ها سامان پیدا کرد. یا تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حفاظت از مرزهایک حرکت عالی بود. سپاه یک پدیده

